

مقایسه انسجام در قصیده «جیکور» سیاب و «در کنار رودخانه» نیما

محمدحسن امرائی*

چکیده

شرایط زندگی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ادبی نیما یوشیج و بدر شاکر سیاب در موارد فراوانی، شباهت و نزدیکی دارد؛ از آن جمله می‌توان به زندگی در محیطی روستایی با طبیعتی بکر، تعهدات اجتماعی، تأثیرپذیری از مکتب‌های ادبی غرب، زندگی در سایه حکومت‌های دیکتاتوری، گرایش‌های سیاسی، استفاده از مضامین ادبی مشترک، پیشگامی و سنت‌شکنی در شعر نو و... اشاره کرد که غالباً مورد توجه صاحب‌نظران ادبیات تطبیقی نیز واقع شده است. قصیده جیکور و اشعار المدينه، از مهم‌ترین قصاید سیاب و به تعبیر خود او، جیکور دیوان شعر اوست. قصیده در کنار رودخانه نیز از قصاید مهم نیما است که تقریباً هر دو در شرایط فرهنگی و اجتماعی یکسانی سروده شده‌اند. ناظر به همین شباهت‌ها و نیز حجم اندک قصاید، کیفیت انسجام دو قصیده، می‌تواند مورد سؤال قرار گیرد. هدف این مقاله، ارزیابی انسجام و هماهنگی انسجامی در متن قصیده جیکور و اشعار المدينه از سیاب، شاعر نوگرای عراقی و در کنار رودخانه از نیما یوشیج، شاعر سنت‌شکن فارسی است که به صورتی کاملاً تصادفی و گزینشی و با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی و آماری نگارش یافته است. نگارنده بر آن است تا با نگاهی فراجمله‌ای و متن‌بنیاد و با اعتماد به نظریه نظام‌مند هالیدی و حسن (۱۹۸۵م)، میزان انسجام و عوامل انسجام‌بخش را در شعر دو شاعر به بوته نقد و تحلیل تطبیقی بسپارد. بررسی و کاربست نظریه انسجام هالیدی و حسن در سطح قصاید نیما و سیاب، نشان داد که قصیده نیما (۹۳/۶۵ درصد)، به دلیل تعامل زنجیره‌ای بیشتر میان عناصر انسجام‌بخش واژگانی و دستوری در متن آن، از انسجام معنایی، لفظی، نحوی و منطقی بیشتری نسبت به قصیده سیاب (۸۷/۹۵ درصد) برخوردار است. می‌توان گفت آشنایی و تسلط نیما بر واژگان و ظرفیت‌های دستوری و

واژگانی زبان فارسی، سبب شده است از مؤلفه‌های انسجام‌بخش متون به نحو مطلوب‌تری استفاده کند. از طرفی، هر دو شاعر با بهره‌مندی از عناصر انسجام‌واژگانی و دستوری، توفیق یافته‌اند پیوندی ناگسستگی میان الفاظ و معانی ایجاد کنند و از این طریق، اندیشه و امیال درونی خود را در متن اشعار منعکس سازند.

کلیدواژه: انسجام، شعر معاصر فارسی و عربی، جیکور و آشجار المدینه، در کنار رودخانه، بدر شاکر سیاب، نیما یوشیج.

مقدمه

یکی از نظریات مهم زبان‌شناسی که می‌تواند تا حدی در تحلیل متون ادبی راهگشا باشد، نظریه مایکل هالیدی^۱ (۱۹۲۵-۲۰۱۸م) زبان‌شناس بریتانیایی مقیم استرالیا و توسعه‌دهنده دستور زبان نقش‌گرای نظام‌بنیاد است. این نظریه با عنوان «زبان‌شناسی سیستمی-نقشی»، از مهم‌ترین نظریات زبان‌شناسی است که در چارچوب نقش‌گرایی به شکلی سازمان‌یافته و منظم، به تحلیل متون مختلف ادبی می‌پردازد. هالیدی و همسرش، رقیه حسن^۲ (۱۹۳۱-۲۰۱۵م) در زمینه زبان‌شناسی نظام‌مند نقش‌گرا آثاری را منتشر کرده‌اند. این دو با همکاری یکدیگر در سال ۱۹۷۶م کتاب *انسجام در زبان انگلیسی* را پدید آوردند. یک بخش از این نظریه عوامل انسجام^۳ نام دارد که انسجام یا پیوستگی جملات، محصول رابطه اجزای دو جمله با یکدیگر است. این ارتباط در سطح آوایی، معنایی، نحوی و منطقی زبان شکل می‌گیرد. اگر اجزای جمله‌های نوشته یا گفته‌ای با هم مربوط باشند یا به عبارت دیگر، منسجم باشند، آن نوشته یا گفته، یک متن^۴ را شکل می‌دهد. هر دو، در اثر معروف خود، ساختمان متنی و روابط بین جمله‌ای را بررسی کرده‌اند. در این بررسی، آن‌ها روابط بین جمله‌ای متن را انسجام متنی نامیده و معتقدند که انسجام، مفهومی معنایی است که به روابط معنایی

1. Michael Alexander Kirkwood Halliday
2. Ruqaiya Hasan
3. Coherence
4. text

موجود در متن اشاره دارد و آن را به عنوان یک متن، از غیر متن، متمایز و مشخص می کند.

از نظر هلیدی و حسن، متن، کلام ضبط شده از یک رویداد ارتباطی است. از نظر آن‌ها آنچه که متن را از غیر متن تفکیک می کند، وجود ویژگی‌های متنی یا متنیت است و این ویژگی‌ها چیزی جز «روابط انسجامی» نیست. آن‌ها معتقدند «متن بودگی» یا آنچه که متن را می سازد، حضور ابزارهای انسجامی است.

نظریه یادشده، به سبب قابلیت که در تعیین میزان انسجام در هر متنی - اعم از ادبی و غیر ادبی - دارد، می تواند چارچوبی کارآمد در راستای تحلیل میزان انسجام در متن دو قصیده فارسی و عربی باشد.

این پژوهش، ضمن ارزیابی انسجام غیرساختاری در متن قصیده عربی «جیکور» و أشجار المدینه» و قصیده فارسی «در کنار رودخانه»، بر اساس نسخه تکامل یافته از نظریه نظام مند هالیدی و حسن (۱۹۸۵م)، درصدد است تا به سؤالات زیر پاسخ دهد:

۱. عوامل انسجام متن در قصیده «جیکور» و أشجار المدینه» و «در کنار رودخانه»، کدام اند؟

۲. انسجام متنی در قصیده «جیکور» و أشجار المدینه» و «در کنار رودخانه» به چه میزان است؟

۳. با توجه به عوامل انسجام آیا می توان ادعا کرد که هر دو قصیده، منسجم و هماهنگ اند؟

۴. با نظر به کارکرد عوامل انسجام در پیوستگی متن، هر دو شاعر تا چه حدی در انتقال مفاهیم قصاید، توفیق یافته اند؟

روش این مطالعه، تحلیلی - تطبیقی است. شاکله پژوهش صرف نظر از ادبیات و مبانی نظری، به دو بخش اساسی قابل تقسیم است: بخش نظری و بخش تطبیقی. بخش نظری پژوهش، به تعریف انسجام و زیرشاخه‌های این نظریه، اعم از ابزارهای انسجام، انواع فرایند و... می پردازد. بخش تطبیقی پژوهش، به تطبیق مقایسه‌ای الگوی انسجام

هالیدی در متن قصیده «جیکور و أشجار المدینه» از سیاب^۱ (۱۹۲۶-۱۹۶۴م) و قصیده «در کنار رودخانه» از نیما (۱۲۷۶-۱۳۳۸) می‌پردازد.

پیشینه تحقیق

در حوزه بررسی انسجام و پیوستگی متن در متون ادبی، مقالات متعددی ارائه شده که همگی بر پایه نظریه انسجام متن هالیدی و حسن (۱۹۷۶م) انجام گرفته‌اند، از جمله: پورنامداریان و ایشانی (۱۳۸۹) در مقاله خود پس از تحلیل و بررسی انسجام غزل حافظ، با استفاده از نظریه انسجام هالیدی، به این نتیجه رسیده‌اند که غزل حافظ، از انسجام و پیوستگی بالایی برخوردار است و با کاربرد این نظریه می‌توان درجه انسجام و پیوستگی هریک از غزلیات حافظ یا دیگر متون ادبی را از نظر کمی مشخص کرد. آقاگل‌زاده و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله خود، با مبنا قرار دادن دستور نقش‌گرای هالیدی، به بررسی انواع فعل‌های به‌کاررفته در چهار داستان از آثار آل احمد و هدایت پرداخته‌اند و درنهایت به این نتیجه رسیده‌اند که آل احمد، بیشتر از فرایند مادی و هدایت از فرایند رفتاری استفاده کرده است که نشان از دیدگاه واقع‌گرایانه آل احمد و توجه هدایت به انسان به صورت فردی، در داستان‌هایشان دارد. آلگونه جولقانی (۱۳۹۵) در مقاله خود کوشیده است بر اساس الگوی انسجام غیرساختاری (دستوری و واژگانی) هالیدی و حسن، به بررسی نحوه شکل‌گیری انسجام در غزلی از حافظ بپردازد و با این هدف، به روشی جامع در پژوهش انسجام غیرساختاری غزل دست یابد. امرائی و همکاران (۱۳۹۵) در مقالاتی بر اساس الگوی انسجام غیرساختاری (دستوری و واژگانی) هالیدی و حسن (۱۹۸۵م)، به بررسی انسجام و ابزارهای آن در در سوره‌های علق و طارق پرداخته‌اند. شایان ذکر است علی‌رغم وجود پژوهش‌های متعدد در باب انسجام، تاکنون در زمینه بررسی انسجام و عوامل آن در شعر معاصر، تحقیق چندانی صورت نگرفته است،

مقایسه انسجام در قصیده «جیکور» سیاب و «در کنار رودخانه» نیما _____ ۱۷

جز آنکه مهاجر و نبوی در فصل چهارم کتاب به سوی زبان شناسی شعر با عنوان «گفت و گو با چند شعر نیما» به کمک روش تحلیلی دستور سیستمی - نقشی، چند شعر را بررسی کرده‌اند. این چند شعر در سه ساحت اندیشگانی، بینافردی و متنی بررسی و آن‌گاه فرایندهای شعر تحلیل شده است؛ اما به عوامل انسجام اشاره‌ای نکرده‌اند. در این پژوهش بنابر ضرورت و بیان مسئله‌ای که در مقدمه مطرح شد، ضمن بررسی میزان ارتباط معنایی واژگان موجود در متن قصاید نیما و سیاب، به شناسایی نقش انسجام، به‌عنوان ابزاری مهم در تحلیل متن و نویسنده آن می‌پردازیم تا مشخص شود که دو شاعر فارسی و عربی در قصاید مورد مطالعه، چگونه با کاربرد واژه‌های خاص سبکی خود، اندیشه و امیال درونی‌شان را در آثار خویش منعکس و نمایان ساخته‌اند.

نظریه تکامل یافته هالیدی و حسن درباره انسجام

یکی از نظریات مهم زبان‌شناسی که می‌تواند در تحلیل متون ادبی مفید باشد، نظریه انسجام از مایکل هالیدی و رقیه حسن است. این نظریه در حوزه مطالعات متن‌شناسی، مؤلفه «انسجام» را به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه شکل‌گیری متن معرفی می‌کند و به تحلیل عوامل انسجام در متن می‌پردازد. از دیدگاه این نظریه، اگر اجزای جمله‌های نوشته یا گفته‌ای با هم مربوط باشند یا به عبارت دیگر منسجم باشند، آن نوشته یا گفته، یک متن را شکل می‌دهد. نظریه انسجام و پیوستگی متن، شاخه‌ای از سخن‌کاوی (گفتمان) و تجزیه و تحلیل کلام محسوب می‌شود که به مطالعه متن می‌پردازد. «یک متن، زمانی به گفتمان تبدیل می‌شود که کلیتی منسجم داشته باشد؛ حتی اگر از یک تکه کوچک زبانی تشکیل شده باشد» (نک: امرائی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۲؛ به‌نقل از 4: halliday & hasan, 1976). هالیدی و حسن در اثر معروف خود، ساختمان متنی و روابط بین جمله‌ای را بررسی کرده‌اند. در این بررسی، آن‌ها روابط بین جمله‌ای در متن را انسجام متنی نامیده و آن را این‌گونه تعریف

کرده‌اند: «انسجام، یک مفهوم معنایی است که به روابط معنایی موجود در متن اشاره می‌کند و آن را به عنوان یک متن، مشخص می‌سازد» (لطفی پور ساعدی، ۱۳۸۷: ۳۵).

ابزارهای انسجام^۱

ابزارهای آفرینندهٔ انسجام متن از منظر هالیدی و حسن (۱۹۷۶م) در زبان انگلیسی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف. ابزارهای دستوری، شامل ارجاع، جای‌گزینی و حذف؛

ب. ابزارهای واژگانی شامل تکرار و هم‌آیی؛

ج. ابزارهای پیوندی شامل حروف ربط (Halliday & Hasan, 1985: 82).

این دو در سال ۱۹۸۵م با انتشار اثر مشترک خود، عوامل انسجام را با تغییراتی تکمیلی ارائه کردند که در جدول ۱ به اختصار نشان داده شده است. این پژوهش، بر اساس همین نظریهٔ تکامل‌یافتهٔ هالیدی و حسن (۱۹۸۵م) نگاشته شده و انسجام غیرساختاری در آن مورد نظر است:

جدول شمارهٔ ۱- خلاصه‌ای از عوامل انسجامی (Halliday & Hasan, 1985: 82)

انسجام غیرساختاری (non - structural cohesion)

روابط اندام‌وار (organic relations)

روابط عناصر سازنده (componential relations)

| (device) (typical tie relations) | | عنصر رابطه نوعی گره | عوامل انسجام دستوری |
|---|-----------------------------|---|---------------------------|
| ۱. پیوندی (conjunctions) ۲. مجاورت جفت‌ها (adjacency pairs) | هم‌مرجع (co - reference) | الف) ارجاع (reference) ۱. ضمیری (pronominals) ۲. اشاره‌ای (demonstrative) ۳. حرف تعریفی (definitive article) ۴. مقایسه‌ای (comparative) | |
| مثال: جوابی که پس از سؤال می‌آید. پذیرشی که پس از پیشنهاد می‌آید و... | هم‌طبقه (co classification) | ب) جانشینی و حذف (substitution & ellipsis) ۱. اسمی (nominal) ۲. فعلی (verbal) ۳. جمله‌ای (clausal) | |

| | | | |
|-------------------------------------|---|---|----------------------------|
| تمیدی (continuative): مثال: هنوز | هم طبقه (co classification) یا هم گستر (co - extention) | الف) عام (general) ۱. تکرار (repetition) ۲. هم معنایی (synonymy) ۳. تضاد معنایی (antonymy) ۴. جزء و کل (meronymy) | عوامل انسجام واژگانی |
| | | | |
| | هم مرجع (co - reference) یا هم طبقه (co - classification) | | |

انسجام ساختاری (structural cohesion):

الف. توازن (parallelism)؛

ب. بسط مبتدا - خیر (theme - rheme development)؛

ج. سازمان دهی (اطلاعات) کهنه و نو (given - new organization).

اکنون، به بررسی تک تک عوامل انسجام (۱۹۸۵م) پرداخته می شود:

۱. عوامل دستوری^۱

۱-۱. ارجاع^۲

ارجاع، رابطه‌ای است که میان یکی از عناصر متن و عنصری دیگر برقرار می شود و به واسطه این رابطه می تواند تعبیر و تفسیر شود (احمدی و استواری، ۱۳۹۰: ۱۲). آنچه مورد ارجاع قرار می گیرد، یا خارج از چارچوب کلام قرار دارد یا داخل آن. بنابراین، دو نوع ارجاع برون متنی و درون متنی وجود دارد. در ارجاع برون متنی، آنچه مورد ارجاع قرار می گیرد، عنصری است از دنیای خارج یا بافت موقعیتی که رخداد کلامی در آن واقع شده است (نک: پورینگز و شمیتس، ۲۰۰۳: ۲۰۷). برای مثال در نمونه زیر، ضمائر «تو» و «او» و نیز ضمیر محذوف «من»، عناصری هستند که تنها با ارجاع به بافت موقعیتی، مشخص می شوند:

«دیروز تو و او را در خیابان دیدم.»

1. Grammatical elements

2. Reference

در مقابل، ارجاع درون‌متنی به گونه‌ای است که طی آن یک عنصر متن با ارجاع به عنصر متنی دیگری تعبیر می‌شود و بسته به اینکه مرجع، پیش از عنصر ارجاع‌دهنده بیاید یا پس از آن، دو نوع خواهد بود: الف. ارجاع پیش‌رو که در آن عنصر ارجاع‌دهنده، پیش از مرجع خود قرار می‌گیرد، مانند «تو» در مثال ۱؛ ب. ارجاع پس‌رو که در آن، مرجع پیش از عنصر ارجاع‌دهنده می‌آید، مانند «آن» در مثال ۲ (همان: ۲۰۷).

۱) مرا / تو / بی‌سببی / نیستی / به‌راستی / صلت کدام قصیده‌ای / ای غزل (شاملو).
۲) بزرگ‌ترین مشکلی که زیست‌شناسی با آن روبه‌روست، مغز است.

۲-۱. حذف و جایگزینی^۱

این دو نیز از جمله عواملی هستند که در کار انسجام بخشیدن به متن مشارکت دارند؛ اما رابطه معنایی میان عناصر برقرار نمی‌کنند، بلکه رابطه‌ای واژدستوری را بنیان می‌نهند؛ رابطه‌ای که طی آن، عنصری حذف می‌شود یا آنکه عنصری جایگزین عنصری دیگر می‌گردد (عباسی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۹۷). در نمونه‌های زیر به ترتیب، سازه‌های حذف و جایگزین شده را می‌بینیم. نمونه نخست حاوی جایگزین است و نمونه دوم حاوی حذف:

۱) سه ره پیدا است / نوشته بر سر هر یک به سنگ اندر / حدیثی که ش نمی‌خوانی
بر آن دیگر (اخوان ثالث).

۲) «به چی نگاه می‌کنی؟ (= تو) به جای تسمه (= نگاه می‌کنم) (ر.ک: مهاجر و نبوی، ۱۳۹۳: ۶۷).

۲. عوامل واژگانی^۲

۲-۱. تکرار^۳

1. Ellipsis & substitution
2. Elements lexical
3. Reiteration

مقایسه انسجام در قصیده «جیکور» سیاب و «در کنار رودخانه» نیما _____ ۲۱

تکرار، گونه‌ای از رابطه میان واحدهای واژگانی است که بر کدبندی یکسان و مکرر یک معنای اندیشگانی واحد استوار است. تکرار در قالب‌هایی گوناگون، مانند «هم‌معنایی یا مترادف»، «تضاد»، «شمول معنایی» و «رابطه جزء و کل» رخ می‌دهد (نک: امرائی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۴).

۲-۲. هم‌آیی^۱

منظور از هم‌آیی، مجاورت یا به هم مربوط بودن عناصر واژگانی معینی در چارچوب موضوع یک متن است. این عامل، منجر به پیدایش ارتباط جمله‌های آن متن می‌شود؛ مثلاً اگر متنی درباره مسابقه فوتبال باشد، وقوع کلماتی از قبیل داور، بازیکن، دروازه، دروازه‌بان، خطا و... در جمله‌های مختلف آن باعث به وجود آمدن نوعی انسجام واژگانی در آن می‌شود (همان: ۱۲۴؛ حاج‌عیدی و رضویان، ۱۳۹۷: ۸۳).

۲-۳. عوامل پیوندی^۲

عناصر پیوندی، از دیگر عوامل انسجام در متن هستند که میان جمله‌ها قرار می‌گیرند و آن‌ها را به هم پیوند می‌دهند (شعبانلو و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۷۲). «در هر زبان، کلمات و عباراتی هست که نقش آن‌ها انتقال خواننده یا شنونده از جمله‌ای به جمله بعد است» (صلح‌جو، ۱۳۹۱: ۲۴). هالیدی و حسن، نخست پیوندها را به دو دسته کلان و خرد تقسیم می‌کنند. مقصودشان از پیوندهای کلان، عباراتی است چون «روزی روزگاری» که شروع یا پایان یک موضوع را نشان می‌دهند. پیوندهای خرد را به چهار دسته تقسیم می‌کنند که عبارت‌اند از:

۲-۳-۱. **پیوندهای افزایشی**، مانند «علاوه بر این» در جمله «پیرمرد خسته بود، علاوه بر این، انگیزه‌ای برای ادامه سفر نداشت».

۲-۳-۲. **پیوندهای تبیینی**، مانند «با وجود این». مثال: «هوا خیلی سرد است، با وجود این، من به پارک می‌روم».

1. collection

2. Elements connective

۲-۳-۳. پیوندهای علی، مانند «در نتیجه» و «زیرا». مثال: «او به مهمانی نرفت؛ زیرا خسته بود».

۲-۳-۴. پیوندهای زمانی، مانند «سپس» و «بعد». مثال: «شما بروید، من بعد می آیم» (امرائی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۵؛ مهاجر و نبوی، ۱۳۹۳: ۶۷).

۳. گره و زنجیره در زبان شناسی نقش گرا

آنچه مفهوم انسجام را در جمله مستقر می کند، گره نامیده می شود. هالیدی و حسن بر اهمیت گره و به عبارتی، «دو تا بودن و با هم آمدن یک جفت عنصر که از نظر انسجامی به هم مربوط اند»، بسیار تأکید کرده اند (ر.ک: ایشانی، ۱۳۹۰: ۲۰).

بر اساس نظر رقیه حسن (۱۹۸۵: ۷۴-۷۵)، این گره ها به سه صورت: الف. هم مرجع بودن؛ ب. هم طبقه بودن؛ ج. هم گستر بودن^۲ و بر اساس یک رابطه معنایی، در متن دیده می شوند (صلح جو، ۱۳۹۱: ۶۰-۵۹).

۴. مفهوم گذرایی در SFL

از دید زبان شناسی نظام مند نقش گرا (SFL)، گذرایی، ویژگی ای از جمله است که برای مشخص کردن انواع فرایندها در جمله به کار می رود. هالیدی در تعریف گذرایی می نویسد: «گذرایی در اصل، رمز گذاری تجربیات ما از فرایندهاست و یا به زبانی دیگر، گذرایی، دستور زبانی است برای فرایندها، شرکت کنندگان در این فرایندها و دیگر ملزوماتی که به همراه آن ها می آید» (سارلی و ایشانی، ۱۳۹۰: ۶۰-۶۱). فرایندها از نظر معنایشان در شش گروه دسته بندی می شوند و به تناسب معانی شان مشارکان ویژه ای را به خود می پذیرند. فرایندها به دو دسته کلی فرایندهای اصلی و فرایندهای فرعی تقسیم می شوند که هر کدام، سه فرایند را پوشش می دهند. در حوزه گذرایی فعل، هالیدی (امرائی، ۱۳۹۶: ۱۱-۱۲) سه نوع فرایند اصلی را با نام های مادی،

1. Co-references
2. Co-Classification
3. Co-extensions

مقایسه انسجام در قصیده «جیکور» سیاب و «در کنار رودخانه» نیما _____ ۲۳
ذهنی و ربطی و سه نوع فرایند فرعی به نام‌های رفتاری، لفظی و وجودی، معرفی می‌کند:

۴-۱. فرایندهای اصلی^۱

۴-۱-۱. فرایند مادی^۲: فرایندی است که بر انجام کاری یا رخ دادن واقعه‌ای دلالت دارد. افعال این فرایند به تناسب معنایی که در بند دارند و بسته به اینکه عمل آن‌ها از یک مشارک به مشارکی دیگر گذر کند یا نه، می‌توانند لازم یا متعدی باشند. در این چارچوب، این فرایند، عموماً می‌تواند دارای یک یا دو مشارک اصلی باشد: ۱. کنش‌گر، یعنی عنصری که وقوع فعل در گرو حضور آن است؛ ۲. کنش‌پذیر که کنش از طریق کنش‌گر بر آن واقع می‌شود. به‌عنوان مثال در نمونه‌های زیر:

۱. بچه توپ را گرفت.

۲. او روزی یک ساعت می‌دود.

۳. بالاخره من نامه را نوشتم.

در (۱) عمل از یک عنصر به عنصر دیگر گذر کرده است؛ پس فعل، متعدی است و ما هم یک کنش‌گر داریم (بچه) و هم یک کنش‌پذیر (توپ). در (۲) فعل، لازم است؛ چراکه کنش در کنش‌گر، یعنی او خلاصه شده است. در (۳) نیز فعل بند، متعدی است و ما کنش‌گر (من) و کنش‌پذیر (نامه)، هر دو را داریم. فعل‌های فارسی آمدن، آوردن، پختن، چلانیدن، راندن، سوختن، کاشتن و نوشتن، نمونه‌هایی از فعل‌های فرایند مادی هستند (نک: هالیدی، ۱۹۸۵: ۱۰۲-۱۰۶).

۴-۱-۲. فرایند ذهنی^۳: فرایندی است که بر احساس، اندیشه و ادراک دلالت دارد. این فرایند ضرورتاً دارای دو مشارک است: ۱. عنصری که احساس، اندیشه و ادراک می‌کند. این عنصر موجودی باشعور است یا باشعور پنداشته می‌شود. این عنصر

-
1. The main processes
 2. Physical process
 3. Mental process

را مُدرک می‌نامیم. ۲. آنچه احساس یا ادراک می‌شود یا به آن اندیشیده می‌شود که آن را پدیده می‌خوانیم. مثال:

(۱) من راز فصل‌ها را می‌دانم / و حرف لحظه‌ها را می‌فهمم (فروغ فرخزاد).

(۲) سکوت مرا پریشان می‌کند.

در (۱) «می‌دانم» و «می‌فهمم» فرایندهای بندها هستند. در اینجا «من» مدرک است و «راز فصل‌ها» و «حرف لحظه‌ها» پدیده‌های بند هستند. در (۲) «پریشان می‌کند» فرایند بند است و «سکوت»، پدیده و «من»، مدرک. این نمونه نشان می‌دهد که مدرک لزوماً نقش فاعلی ایفا نمی‌کند. از جمله فعل‌های فارسی بیانگر فرایند ذهنی، می‌توان از شناختن، دریافتن، درک کردن، رنجیدن نام برد (نک: هالیدی، ۱۹۸۵: ۱۰۶-۱۱۲).

۴-۱-۳. **فرایند رابطه‌ای**: بر چگونگی بودن چیزها و پدیدارها اشاره دارد که غالباً با فعل «بودن» بیان می‌شود. این فرایند دو گونه است؛ در گونه اول که می‌توان آن را گونه شناسایی نامید، نوعی رابطه همسانی در دو سوی رابطه دیده می‌شود. گونه دیگر این فرایند، گونه وصفی آن است. در این گونه، رابطه‌ای میان یک پدیده و یک صفت برقرار می‌شود. فرایند رابطه‌ای عموماً با فعل‌های «بودن» بیان می‌شود. به جز این فعل، گاه فرایند رابطه‌ای با افعالی چون «به نظر آمدن» یا «شبهت داشتن» نیز بیان می‌شود (نک: هالیدی، ۱۹۸۵: ۱۱۲-۱۲۸).

۴-۲. فرایندهای فرعی^۱

۴-۲-۱. **فرایند رفتاری**^۲: دربرگیرنده رفتارهای گوناگون جسمی و روانی یک موجود جان‌دار یا جان‌دارپنداشته است. این فرایند فقط دارای یک مشارک است که رفتارگر خوانده می‌شود؛ مانند مثال‌های زیر:

(۱) از پس این پرده لرزنده می‌بینم / که می‌خندی چو می‌گریم (اسماعیل خویی)

1. Related process
2. Sub-processes
3. Behavioral processes

مقایسه انسجام در قصیده «جیکور» سیاب و «در کنار رودخانه» نیما _____ ۲۵

در این مثال، «تو» و «من» رفتارگران محذوف بند هستند. علاوه بر «گریستن» و «خندیدن»، فعل‌های فارسی «نفس کشیدن» و «خوابیدن» نیز بیانگر فرایندهای رفتاری‌اند (نک: هالیدی، ۱۹۸۵: ۱۲۸-۱۲۹).

۴-۲-۲. **فرایند لفظی (کلامی)**^۱: فرایندی است با فعل‌هایی که همه از نوع «گفتن»‌اند و بیشتر در بندهای مرکب ظاهر می‌شوند. مشارکان این فرایند عبارت‌اند از: «گوینده»، «مخاطب» و «گفته». مثال:

(۱) او مد زمسون لب بون / گفت «سام‌علی، برهنگون» (سپهری)

(۲) مدام غر می‌زند. از این اتاق به آن اتاق پرسه می‌زند و زیر لب چیزهایی می‌گوید (محمد رحیم اخوت).

در مثال (۱) «زمسون»، گوینده محذوف و «سام‌علی، برهنگون»، گفته بند است. در مثال (۲) گوینده بند حذف شده و «چیزهایی» گفته بند است. محذوف، فعالیت‌هایی مانند «گفتن» را شامل می‌شود. علاوه بر فعل‌های مذکور، فعل‌هایی چون «نشان دادن»، «یادآوری کردن» و «فرمودن» از جمله این افعال‌اند (نک: هالیدی، ۱۹۸۵: ۱۲۹-۱۳۰).

۴-۲-۳. **فرایند وجودی**^۲: از موجودیت یا هستی یک پدیده (یا عدم آن) سخن می‌گوید. فعل‌بندهایی که حاوی این فرایند هستند، معمولاً و نه همیشه، فعل «بودن» است. مشارک این فرایند که از هستی (یا نیستی) آن سخن می‌رود، «موجود» نامیده می‌شود (نک: همان: ۱۳۲). برای مثال در جمله «او در خانه بود»، «او» موجود و «خانه» عنصر محیطی و «بود» فرایند وجودی است (امرائی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۹).

روش تحلیل انسجام و هماهنگی انسجامی در متن

برای نشان دادن انسجام یک متن، انجام مراحل زیر به ترتیب ضروری است:

۱. تقسیم کردن متن به بندهای تشکیل دهنده (جمله‌واره‌ها، **Clause**);

1. Verbal process

2. Existential process

۲. نوشتن واژه‌های موجود در هر بند بدون در نظر گرفتن حروف ربط، اضافه و... به صورت جداگانه؛
۳. یافتن عوامل انسجام واژگانی و دستوری در متن از میان واژه‌های نوشته‌شده (کل نمونه‌ها)؛
۴. در ادامه، قرارداد این عوامل در زنجیره‌هایی با عناوین یکسان و مشابه و محاسبه نمونه‌های شرکت‌کننده در این زنجیره‌ها (نمونه‌های مرتبط)؛
۵. مرحله بعدی، محاسبه درجه انسجام متن است (محاسبه درصد نمونه‌های مرتبط نسبت به کل نمونه‌ها) (ر.ک: ایشانی، ۱۳۹۰: ۲۱).

متن قصیده جیکور و اشجار المدینه

«أَشْجَارُهَا دَائِمَةُ الْخُضْرَةِ
كَأَنَّهَا أَعْمَدَةٌ مِنْ رُحَامٍ
لَا عُرَى يَعْرِوْهَا وَلَا صَفْرَةٌ
وَلَيْلَهَا لَا يَنَامُ
يَطَّلِعُ مِنْ أَحْدَاقِهِ فَجْرُهُ
لَكِنَّ فِي جِيكُورٍ لِلصَّيْفِ الْوَانَهُ كَمَا لِلشَّيْءِ
حَقْلٌ يَمُصُّ الْمَاءَ
أَزْهَارُهُ السُّكْرَى غِنَاءُ الطُّيُورِ
نَاحِلَةٌ كَالصَّدَى
أَنْغَامُهُ الْبَلُورُ
كَأَنَّ فِيهَا مُدَى
يَجْرَحْنَ قَلْبِي فَيَسْتَرُّ مِنْهُ النُّورُ
وَتَغْرِبُ الشَّمْسُ وَهَذَا السَّمَاءُ
أَمْطَرَ فِي جِيكُورٍ
أَمْطَرَ ضَلًّا صَمْتًا مَسَاءً

غَافَ عَلَيَّ جِيكُورَ
وَاللَّيْلِ فِي جِيكُورَ
تَهَمَّسَ فِيهِ النُّجُومُ
أَنْغَامَهُ تَوْلَدُ فِيهِ الزُّهُورُ
وَتَحْفَقُ الْأَجْنَحَةُ

فِي أَعْيُنِ الْأَطْفَالِ فِي عَالَمٍ لِلنَّوْمِ مَرَّتْ عِيَوْمُ
بِالدَّرْبِ مُبَيَّضًا بِنُورِ الْقَمَرِ
تَكَادُ أَنْ تَمْسَحَهُ

تَسْرِقُ مِنْهُ الزُّهْرَ (السیاب، ۲۰۰۵م: ۳۵۴-۳۵۵).

ترجمه: درختانش همواره سرسبزند / گویی که (تنه‌هایشان) ستون‌هایی از سنگ
مرمرند / هیچ سرما و گرمایی بر آن‌ها عارض نمی‌شود / شب این درختان نمی‌خوابد /
سپیده‌دم از میان چشمان این شب طلوع می‌کند / اما در جیکور برای تابستان رنگ‌های
خاصی است همان طوری که در زمستان نیز دشتی دارد که آب زمین را می‌مکد /
گل‌های سرمستش موجب آوازخوانی پرندگان می‌شود / همچو شمشیرهایی نازک و
لاغرند به‌سان آن پژواک که نغمه‌های شفافش، تو گویی که در درون آن چاقوهای
تیزی است که قلب مرا زخمی می‌کند و نور در آن پنهان می‌شود / خورشید غروب
می‌کند و این آسمان امشب بر جیکور سایهٔ سکوتی را بارانیده که جیکور را فرا گرفته
است / در دل شب‌های جیکور، ستارگان درگوشی نجوا می‌کنند / و شکوفه‌ها در میان
نغمه‌های این شب زاده (شکفته) می‌شوند / و قلب‌ها در چشمان کودکان به تپش
می‌افتند در جهانی سراسر خواب که در آن ابرهایی که با نور ماه سفید شده بود، از در
خانه گذشتند / نزدیک بود که در آن خانه را لمس کنند / و غنچه‌ها را از خانه
بدزدند.

متن قصیدهٔ در کنار رودخانه

«در کنار رودخانه می‌پلکد سنگ پشت پیر

روز، روز آفتابی است
 صحنه آیش گرم است
 سنگ پشت پیر در دامان گرم آفتابش می‌لمد، آسوده می‌خوابد
 در کنار رودخانه
 در کنار رودخانه من فقط هستم
 خسته درد تمنا،
 چشم در راه آفتابم را
 چشم من اما
 لحظه‌ای او را نمی‌یابد
 آفتاب من روی پوشیده است از من در میان آب‌های دور
 آفتابی گشته بر من هر چه از هر جا
 از درنگ من،
 یا شتاب من،
 آفتابی نیست تنها آفتاب من
 در کنار رودخانه» (نیما، ۱۳۷۰).

۳-۴. تحلیل انسجام در قصیده «جیکور و أشجار المدینه» از سیاب و «در کنار رودخانه» از نیما

چنان‌که در جدول ۲ و ۳ با عنوان عوامل انسجام در قصاید مذکور دیده می‌شود، تعداد کل این عوامل انسجامی در تحلیل قصیده «جیکور و أشجار المدینه» از بدر شاکر سیاب، مجموعاً ۸۴ مورد، اما در قصیده «در کنار رودخانه» از نیما ۶۳ مورد است. تمام این عوامل در هر دو قصیده، به صورت ستونی و عمودی با یکدیگر ارتباط دارند. در سمت راست جدول‌ها، به ترتیب شماره مصرع و شماره جمله و سپس هریک از واژه‌ها با توجه به شکل، جداگانه نوشته شده تا رابطه هر واژه با واژه‌های دیگر

اجتماعی در فضای خفقان و دیکتاتوری در کشور عراق دارد، استفاده از فرایند مادی و وجه اخباری، معنادار و قابل توجه است.

عامل حذف نیز از عوامل انسجام بخش و مهم در فرایند شاعری سیاب به شمار می رود تا جایی که در جمله شماره ۹ از مصرع شماره ۱۱ که در اصل «أزهاره ناحله كالصدی» بوده، مبتدا (أزهار حقل جیکور) حذف شده که در تحلیل انسجام برمی گردد یا در جمله شماره ۱۷ از مصرع شماره ۱۳ که در اصل «أمطر هذا السماء فی جیکور» بوده و فاعل جمله «هذا السماء» حذف شده است؛ بنابراین، در تحلیل انسجام، محذوف به جمله برمی گردد. در جمله شماره ۱ از مصرع ۱ نیز ضمیر «ها» که به درختان روستای جیکور برمی گردد، در زیر ستون «أشجار» نوشته می شود و با هم در یک ستون عمودی قرار می گیرند؛ زیرا این دو واژه، از نظر عامل انسجامی، رابطه هم معنایی با یکدیگر دارند. در جمله شماره ۶، واژه «یطلع» با فعل «يعرو» در یک ستون عمودی و در یک مجموعه قرار می گیرند. دو فعل مذکور، از دیدگاه زبان شناسی نظام مند نقش گرا، از یک فرایند، یعنی فرایند ذهنی محسوب می شوند و در نتیجه، نوع ارتباط آن ها با یکدیگر، از نوع رابطه انسجامی جزء و کل به شمار می رود. در جمله شماره ۱۱ از مصرع شماره ۹، یعنی «ناحله كالصدی»، واژه های «ناحله» و «صدی» با دیگر واژه های به کار رفته در ستون های جدول، هیچ گونه ارتباطی ندارد؛ بنابراین، در ستونی مستقل و جداگانه قرار می گیرد.

موضوعات کاربست داده شده بر روی قصیده «جیکور و أشجار المدینه»، عیناً بر قصیده «در کنار رودخانه» از نیما نیز اجرا شده است که با نظر به شرح و تحلیل مراحل مختلف و اصول نظری حاکم بر الگوی انسجام هلیدی و حسن (۱۹۸۵م) و کاربست کامل آن در متن قصیده «جیکور و أشجار المدینه»، از تکرار توضیحات و مبانی نظری قبلی خودداری گردیده و فقط به نقد و ارزیابی انسجام و عوامل آن در متن قصیده فارسی «در کنار رودخانه» از نیما یوشیج، بر اساس جدول مربوط، اکتفا شده است.

روند کار بر همین منوال ادامه پیدا می‌کند تا جایی که تمام واژگان موجود در هر دو قصیده فارسی و عربی، به همین صورت در جدول‌ها قرار گیرند و جدول‌ها کاملاً تکمیل شود.

برای درک بهتر جدول‌های شماره (۲) و (۳) که در بالا بدان‌ها اشاره شد، عوامل انسجامی را در جدول شماره (۴) و (۵) که در ذیل همین مبحث می‌آید، به صورت شفاف‌تر و با وضوح بیشتر به خوانندگان ارائه کرده‌ایم. در جدول شماره (۴) و (۵) که به ترتیب حاصل ارتباط عوامل ایجادکننده انسجام دستوری و واژگانی در قصاید سیاب و نیما هستند، عوامل انسجام‌بخش همراه با زیرمجموعه‌هایشان مشخص شده‌اند تا نوع ارتباط آن‌ها به صورت ساده‌تر و دقیق‌تر بیان گردد. به عنوان نمونه، بر اساس جدول شماره (۲)، «ها» در جمله شماره ۱، به جیکور یا درختان آن در عنوان قصیده اشاره دارد و از زیرمجموعه‌های ارجاع درون‌متنی و از نوع ارجاع به ماقبل به شمار می‌رود. ضمیر محذوف «هو» که در جمله شماره ۱۷ و در فعل «أمطر» وجود داشته و حذف شده است، زیرمجموعه عامل دستوری حذف قرار می‌گیرد. واژه «جیکور» که در جملات ۷ و ۱۷ و ۱۹ و ۲۰ تکرار شده است، زیرمجموعه عامل واژگانی تکرار قرار می‌گیرد.

از سوی دیگر، در قصیده نیما نیز بر اساس جدول شماره (۳) که به تفکیک عناصر انسجام در متن قصیده نیما پرداخته است، ضمیر «او» در جمله شماره (۱۱) به معشوق شاعر، صفورا برمی‌گردد که از نوع ارجاع برون‌متنی است یا واژه «آفتاب من» در جمله شماره (۱۱) با ضمیر او (محبوب شاعر = صفورا) در جمله شماره (۱۰) ارتباط هم‌معنایی و جانشینی دارد. جمله «آفتابی گشته» در جمله شماره (۱۳) با جمله «آفتابی نیست» در جمله شماره (۱۷) تقابل و تضاد معنایی را به همراه دارد که از نوع ارتباط واژگانی و از عوامل مؤثر در شکل‌گیری انسجام واژگانی در متن قصیده فارسی نیماست؛ زیرا تضاد یا تقابل، از پیوندهای معنایی میان کلمات به شمار رفته و یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های زبان است که در حوزه مطالعات واژگانی دستور زبان قرار

می‌گیرد. این تقابل که عمدتاً خود را در حوزه معنایی واژگان، نشان می‌دهد، در حقیقت، یادآور قاعده «إِنَّ الْأَشْيَاءَ تُعْرَفُ بِأَضْدَادِهَا» در فرهنگ ماست که در آن، اشیا و امور به واسطه متقابل‌هایشان شناخته می‌شوند و غالباً مبین نوعی پیوند و ارتباط مفهومی عمیق میان واژه‌ها بوده، شکل‌گیری انسجام و پیوستگی متون مختلف را به همراه دارد. در این میان، انسجام و هماهنگی بین واژگانی در قالب بافتی استوار، علاوه بر آفرینش یک اثر ادبی یکپارچه و منسجم، تجلی‌بخش تصاویر ادبی بسیار دقیقی نیز خواهد بود.

قابل ملاحظه است که هر دو قصیده در نسبت عوامل نام‌گذاری و تشابه، یکسان هستند و برای عنصر واژگانی نام‌گذاری و تشابه، نمونه‌ای در متن هر دو قصیده فارسی و عربی یافت نشده است؛ اما در زمینه ارجاع، جایگزینی و حذف، قصیده سیاب، هژمونی انسجامی بیشتری یافته است که این موضوع به قدرت اشتقاق‌پذیری زبان عربی برمی‌گردد که حذف و ارجاع و بدلیت در آن، نمودی بیشتر نسبت به زبان فارسی دارد.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، تمام عوامل انسجام‌بخش و نوع ارتباط دستوری و واژگانی آن‌ها در هر دو قصیده، در قالب جدول‌های شماره ۴ و ۵ دسته‌بندی و مشخص شده است. جدول شماره (۴) نمودار روابط انسجامی در قصیده سیاب و جدول شماره (۵) نیز نشان‌دهنده نوع ارتباط ابزارهای انسجام و روابط انسجامی آن‌ها در متن قصیده نیماست.

جدول شماره ۴- روابط عوامل انسجام دستوری و واژگانی در قصیده «جیکور»

و أشجار المدينة»

| | |
|---|----------------------------------|
| <p>ها (۱) به «جیکور» در عنوان قصیده / ها (۲) أشجار (۱) / ها (۳) أشجار (۱) / ها (۵) جیکور (۱) / (۵) اللیل (۵) / (۶) اللیل (۵) / (۷) الصیف (۷) / (۸) حقل (۹) / (۹) حقل (۹) / در فیها (۱۳) أنعام (۱۲) / (۱۵) قلب (۱۵) / ضمیر «ن» (۱۴) مدی (۱۳) / ضمیر «ی» در قلبی (۱۵) شاعر (بدر شاکر سیاب) / در فیه (۲۰) اللیل (۲۰) / در أنعامه، و نیز در فیه (۲۲) اللیل (۲۲) / (۲۶) نور القمر (۲۵) / (۲۷) نور القمر (۲۵)</p> | <p>عوامل انسجام</p> <p>ارجاع</p> |
|---|----------------------------------|

مقایسه انسجام در قصیده «جیکور» سیاب و «در کنار رودخانه» نیما ۳۷

| دستوری | |
|----------------------|--|
| جانشینی و حذف | هو (۵) اللیل (۵) / هو (۶) اللیل (۵) / هو (۹) حقل (۹) / هو (۱۷) هذا السماء (۱۷) / هو (۱۸) هذا السماء (۱۷) / هو (۱۹) هذا السماء (۱۷) / هی (۲۶) غیوم (۲۵) / هی (۲۷) غیوم (۲۵) / تكون (۱، ۷، ۸، ۱۱ و ۱۲) / ألوان (۸) |
| تکرار | جیکور (۷)، جیکور (۱۷)، جیکور (۱۹)، جیکور (۲۰) / أنعام (۱۲)، أنعام (۲۲) / النور (۱۵) و النور (۲۵) / أمطر (۱۷) و أمطر (۱۸) / لیل (۵) و اللیل (۲۰) / أزهار (۱۰)، أزهار (۲۲) و أزهار (۲۷) / أشجار (عنوان قصیده) و أشجار (۱) / ضمیر «ها» (۱) (۲)، (۳)، (۴)، (۵)، (۱۳) / ضمیر «ه» (۶) (۱۰)، (۱۲)، (۱۵)، (۲۶)، (۲۷) |
| هم‌معنایی | أزهار (۱۰)، الزهر (۲۷) و الزهور (۲۲) / أشجار (۱)، دائم الخضرة (۱) / النور (۱۵)، نور القمر (۲۵) |
| تضاد معنایی | لیل (۵)، فجر (۶) / الصیف (۷)، الشتاء (۸) / يطلع (۶)، تغرب (۱۶) |
| عوامل انسجام وازگانی | جزء و کل |
| جزء و کل | أحداق (۱) عین (۶) / اللیل (۴) النجوم (۴) / السماء (۱۷)، الشمس (۱۶)، النور (۱۵) / الطيور (۱۰)، الأجنحة (۲۳) / الأطفال (۲۴)، الأعین (۲۴) / النور (۱۵)، نور القمر (۲۵) / الغناء (۱۰)، أنعام (۲۲) / حقل (۹)، جیکور (۷) / أشجار (۱)، أزهار (۱۰)، الزهور (۲۲) / (تَهَمَّسَ) (۲۱) فرایند لفظی / لا بنام (۵)، یمص (۹)، یجرحن (۱۴)، یستتر (۱۵)، أمطر (۱۷)، أمطر (۱۸)، تولد (۲۲)، تخفق (۲۳)، مرّت (۲۵)، تکاد أن تمسح (۲۶)، تسرق (۲۷) فرایند مادی / یعرو (۳)، یطلع (۶)، تغرب (۱۶)، غاف علی (۱۹) فرایند ذهنی / تكون (۱)، تکاد (۲۶) فرایند ربطی / اللیل (۴) المساء (۱۸) |
| برابری | أمطر (۱۷)، أمطر (۱۸) / میبضاً (۲۵)، النور (۱۵) / جیکور (۱۷)، جیکور (۱۹)، جیکور (۲۰) |
| نام‌گذاری | |
| تشابه | |

جدول شماره ۵- روابط عوامل انسجام دستوری و وازگانی در قصیده «در کنار رودخانه»

| عوامل انسجام دستوری | |
|---------------------|---|
| ارجاع | اش» در آفتابش (۵) به روز (۳) / من (۷) «م» در (هستم) یعنی شاعر (۷) «م» در آفتابم (۹) شاعر (۷) / من (۱۰) شاعر (۷) / او (۱۱) به معشوق شاعر: «صفورا» برمی‌گردد که از نوع ارجاع برون‌متنی است/ من (۱۲) شاعر (۷) / من (۱۳) شاعر (۷) / من (۱۵) شاعر (۷) / من (۱۶) شاعر (۷) |
| جانشینی و حذف | (آفتاب من) = محبوب (۱۱) / (آفتاب من) = محبوب (۱۸) / (او) = سنگ پشت پیر (۶) / او (۱) / او (۶) |
| تکرار | روز (۳ و ۴) / گرم (۴ و ۵) / من (شاعر) (۹، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۶) / من (شاعر) (۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶) / چشم (۹) / کنار رودخانه (۷ و ۸) / سنگ پشت پیر (۱ و ۵) |
| هم‌معنایی | آفتابی (۴) / گرم (۴) / آفتاب من (۱۱) / او (محبوب شاعر = صفورا) / می‌لمد (۵) / آسوده می‌خوابد (۶) / (محبوب شاعر = صفورا) (۱۰) |
| عوامل | |

| | | | | | | | | |
|-------------------|--|---|---|------------------------|--|--|--|--|
| انسجام واژگانی | تضاد معنایی | آفتابی گشته (۱۳) آفتابی نیست (۱۷) | شباب (۱۶) درنگ (۱۵) | است (۱) نیست (۱۷) | | | | |
| جزء و کلّ | سنگ پشت پیر (۱) رودخانه (۱) / روز (۲) روز آفتابی (۳) / چشم (۱۰) من (۱۰) / روز (۳) لحظه‌ای (۱۰) / می‌بلد (۱)، می‌لمد (۵)، می‌خواهد (۶)، نمی‌یابد (۱۰)، روی پوشیده است (۱۳)، آفتابی نیست (۱۷) فرایند مادی / است (۳، ۴ و ۵)، هشتم (۷) گشته (۱۳) فرایند ربطی | | | | | | | |
| برابری | روز آفتابی (۳) دامان گرم آفتاب (۴) | سنگ پشت پیر (۱) و سنگ پشت پیر (۵) | در کنار رودخانه (۱)، در کنار رودخانه (۷ و ۶) | هرجا (۱۴) هرچه (۱۴) | | | | |
| نام‌گذاری | | | | | | | | |
| تشابه | | | | | | | | |

در ادامه، با قراردادن عوامل انسجام‌بخش هر دو قصیده فارسی و عربی، در زنجیره‌هایی به نام یکسانی و شباهت، می‌توان نمونه‌های مرتبط و دارای هم‌زنجیره را محاسبه کرد که در زیر به ترتیب، ابتدا زنجیره‌های یکسانی قصیده سیاب و سپس زنجیره‌های یکسانی و تشابه قصیده نیما به طور مجزاً ارائه شده است.

در این مرحله، مطابق جدول‌های شماره ۶ و ۷ که در زیر آمده، عوامل ایجادکننده انسجام در زنجیره‌هایی به نام یکسانی و شباهت قرار داده شده، نمونه‌های مرتبط را در این مرحله محاسبه می‌کنیم. شایان ذکر است بر اساس نظریه انسجام هالیدی و حسن (۱۹۸۵م)، عوامل انسجام دستوری در زیرمجموعه زنجیره‌های یکسانی و عوامل انسجام واژگانی، جزء زنجیره‌های شباهت قرار می‌گیرند. در این مرحله، تنها عوامل انسجامی‌ای که در یک زنجیره (ستون) حداقل دو عضو داشته باشند، شرکت می‌کنند. همان گونه که در جدول شماره ۲ ملاحظه می‌گردد ۱۰ نمونه بدون هم‌زنجیره، در جمله‌های شماره ۲: «أعمده»، و «رخام»، شماره ۳: «عری»، شماره ۹: «الماء»، شماره ۱۱: «ناحله» و «الصدی»، شماره ۲۱: «تہمس»، شماره ۲۳: «الأجنحة»، شماره ۲۴: «عالم للنوم» و شماره ۲۵: «غیوم»، وجود دارد که نمونه‌های جنبی نامیده می‌شوند. این نمونه‌های ناسازگار و بی‌هم‌زنجیره که تعامل معنایی و ارتباطی با دیگر عوامل انسجامی

مقایسه انسجام در قصیده «جیکور» سیاب و «در کنار رودخانه» نیما _____ ۳۹

برقرار نکرده‌اند، به نوعی سبب شکاف بیشتر در قصیده سیاب شده و قدری از قدرت انسجامی آن کاسته‌اند؛ اما دیگر نمونه‌های انسجامی موجود در قصیده سیاب، همگی دارای هم‌زنجیره بوده، با دیگر نمونه‌ها «گره»^۱ () تشکیل داده‌اند. قابل ذکر است که در جدول‌های شماره ۶ و ۷ تمامی نمونه‌های بی‌هم‌زنجیره حذف خواهند شد.

در جدول‌های شماره ۲ و ۳ ارتباط عوامل انسجامی به صورت ستونی نشان داده شده است. واژگانی که در جدول‌های شماره ۴ و ۵ جزء عوامل انسجام دستوری هستند، در جدول‌های شماره ۶ و ۷ در زنجیره یکسانی با علامت اختصاری «ی» مشخص شده‌اند و واژگان دیگری که زیرمجموعه عوامل انسجام واژگانی هستند، در زنجیره شباهت با علامت اختصاری «ش» در جدول قرار می‌گیرند. اگر میان واژگان، هم رابطه یکسانی و هم رابطه شباهت وجود داشته باشد، در آن صورت، زیر علامت اختصاری «ی/ش» نوشته شده‌اند. این مسأله به ما کمک می‌کند تا دریابیم که میزان عوامل انسجام دستوری و واژگانی در هر متن چقدر است. بر اساس جدول‌های شماره ۶ و ۷، تعداد نمونه‌های مرتبط - عوامل انسجامی هم‌زنجیره - به ترتیب، در متن قصیده عربی سیاب (۸۴) مورد و در قصیده فارسی نیما (۶۳) مورد بررسی شده است. با این توصیفات، (۱۰) واژه یا عامل در متن قصیده «جیکور و اشجارالمدینه» وجود داشته که تعامل زنجیره‌ای با دیگر واژگان نداشته و نتوانسته‌اند با دیگر عناصر قصیده، ارتباط انسجامی برقرار نمایند، به عبارتی، «گره» تشکیل دهند. در مقابل، در قصیده «در کنار رودخانه»، تنها ۴ نمونه جنبی یا بی‌هم‌زنجیره و فاقد ارتباط انسجامی تشخیص داده شد. بنابراین تعداد عناصر بیگانه با متن، در قصیده فارسی نیما کمتر از قصیده سیاب است که این موضوع، نمودار استحکام درونی قصیده نیما و فقدان عناصر شکاف‌دهنده در متن قصیده است که به آن، یکپارچگی و انسجام بیشتری بخشیده است.

مقایسهٔ انسجام در قصیدهٔ «جیکور» سیاب و «در کنار رودخانه» نیما _____ ۴۱

| | | | | | | | | | | | | | |
|--------------------|--|--|-------|---------|--|--|--------|--|--|------------------|--------|----|----|
| النجوم | | | | | | | | | | (ه) (اللیل) | ۲۱ | ۱۷ | |
| | | | أنعام | (جیکور) | | | | | | تولد | الزهور | ۲۲ | ۱۷ |
| | | | | | | | | | | تحقق | | ۲۳ | ۱۸ |
| أعين الأطفال | | | | | | | | | | | | ۲۴ | ۱۹ |
| نور القمر | | | | | | | مِيضاً | | | مرّت | | ۲۵ | ۲۰ |
| (نور) القمر | | | | | | | | | | نكادُ أن تمسح | | ۲۶ | ۲۱ |
| «ه» (نور) القمر | | | | | | | | | | الزهر تسرق | | ۲۷ | ۲۲ |

جدول شمارهٔ ۷- زنجیره‌های یکسانی و شباهت در قصیدهٔ فارسی «در کنار رودخانه»

| ش | ش | ی/اش | ی/اش | ش | ی/اش | ش | ش | ش | ی/اش | ی/اش | شمله | مصراع |
|----------------|----------------|------|------|----------------------|---------------|--------------|-------------------|---------|---------------------|---------------------|------|-------|
| | | | | | | | می‌پلکد | | کنار رودخانه | سنگ‌پشت پیر | ۱ | ۱ |
| | | | | | | | | روز | | | ۲ | ۲ |
| | | | | است | آفتابی | | | روز | (کنار رودخانه) | | ۳ | ۲ |
| | | | | است | | گرم | | | | | ۴ | ۳ |
| | | | | است | آفتاب | دامان گرم | می‌لمد | | «ش» کنار رودخانه | سنگ‌پشت پیر | ۵ | ۴ |
| | | | | | | | می‌خوابد | | کنار رودخانه | (او) سنگ‌پشت پیر | ۶ | ۵ |
| | | | | | هستم | | | | کنار رودخانه | | ۷ | ۶ |
| | | | | | (من شاعر) | | | | (کنار رودخانه) | | ۸ | ۷ |
| | | | | | (من شاعر) | | | | | | ۹ | ۸ |
| | | | | | «م» (شاعر) | آفتاب | | | | | ۱۰ | ۹ |
| | | | | چشم من | | | نمی‌یابد | لحظه‌ای | | | ۱۱ | ۱۰ |
| | | | | آفتاب من (محبوب) | | | | | | | ۱۲ | ۱۱ |
| | | | | (من شاعر) | | | روی پوشیده است | | میان آب‌های دور | | ۱۳ | ۱۱ |
| | | | | (من شاعر) | گشته (است) | آفتابی | | | | | ۱۴ | ۱۱ |
| هرچه (هرجا) | هرچه (هرجا) | | | (است) | | | | | | | ۱۵ | ۱۲ |
| | | | | از درنگ من (شاعر) | گشته (است) | (آفتابی) | | | | | ۱۶ | ۱۲ |
| هرچه (هرجا) | هرچه (هرجا) | | | با شتاب من (شاعر) | گشته (است) | (آفتابی) | | | | | ۱۷ | ۱۳ |

| | | | | | | | | |
|--|--|---------------------|-----------|-------|-------------|-----------------------|----|----|
| | | | من (شاعر) | آفتاب | آفتابی نیست | (در کنار روی‌خانه) | ۱۷ | ۱۴ |
| | | آفتاب من (محبوب) | | (است) | | (کنار رودخانه) | ۱۸ | ۱۵ |

با توجه به اصول و مبانی نظری که قبلاً ارائه شد، اکنون به صورت عملی و کاربردی می‌توان انسجام و میزان آن را در متن قصیدهٔ عربی «جیکور و أشجارالمدينة» از بدر شاکر سیاب و قصیدهٔ فارسی «در کنار رودخانه» از نیمایوشیج بررسی و محاسبهٔ تطبیقی کرد. برای تعیین میزان انسجام در متن هر کدام از دو قصیده، لازم است درصد نمونه‌های مرتبط - دارای هم‌زنجیره با دیگر عوامل - را نسبت به کل نمونه‌ها بسنجیم. کل نمونه‌ها، همان عوامل شرکت‌کننده در جدول شماره ۲ و ۳ هستند. نمونه‌های مرتبط نیز شامل عوامل انسجامی‌ای هستند که در جدول شماره ۶ و ۷ به ترتیب در متن قصیدهٔ سیاب و نیما نشان داده شده، با دیگر واژه‌ها دارای ارتباط هستند. نمونه‌های جنبی نیز عبارت‌اند از واژگانی که در جدول شماره ۶ و ۷ دیده نمی‌شوند. بر اساس جدول شماره ۲، کل نمونه‌ها در قصیدهٔ «جیکور و أشجارالمدينة»، ۸۴ مورد است. نمونه‌های مرتبط نیز ۷۴ مورد و نمونه‌های جنبی ۱۰ مورد هستند که به ترتیب در جمله‌های شماره ۲: «أعمده»، و «رخام»، شماره ۳: «عری»، شماره ۹: «الماء»، شماره ۱۱: «ناحله» و «الصدی»، شماره ۲۱: «تهمس»، شماره ۲۳: «الأجنحه»، شماره ۲۴: «عالم للنوم» و شماره ۲۵: «غیوم»، در جدول قابل ملاحظه‌اند.

در مقابل، بر اساس جدول شماره ۳، کل نمونه‌ها در قصیدهٔ فارسی نیما ۶۳ مورد است که نمونه‌های مرتبط و دارای هم‌زنجیرهٔ آن، مطابق جدول شماره ۵ که در بالا نمایش داده شده، ۵۹ مورد و نمونه‌های جنبی آن نیز، فقط ۴ مورد است که عبارت است از: «صحنهٔ آیش» در جملهٔ شماره (۴)، «آسوده» در جملهٔ شماره (۶)، «خستهٔ درد تمناً» در جملهٔ شماره (۸) و «چشم در راه» در جملهٔ شماره (۹).

بر همین اساس، انسجام قصیدهٔ «جیکور و أشجارالمدينة»، یعنی نسبت نمونه‌های مرتبط به کل نمونه‌ها ۸۸/۹۵ درصد و در مقابل، انسجام و هماهنگی انسجامی در متن

مقایسه انسجام در قصیده «جیکور» سیاب و «در کنار رودخانه» نیما _____ ۴۳
 قصیده فارسی «در کنار رودخانه» از نیما یوشیج، ۹۳/۶۵ درصد است که بسامد بالاتری نسبت به قصیده بدر شاکر سیاب یافته، افزایشی حدود ۴ درصد را نشان می‌دهد.
 با توجه به اینکه هدف از این پژوهش، تعیین میزان کمی انسجام و نشان دادن عناصر انسجام‌دهنده آن و نیز بیان درصد اختلاف انسجام در متن هر دو قصیده فارسی و عربی است و به‌طور کلی، مقایسه نسبت کمی انسجام متن در آن‌ها مقصود بوده، نه کیفیت و نقد وجوه تشابه و اختلاف دو قصیده، به نظر می‌رسد که روش آماری و تحلیل کمی موضوعات و کاراکترهای انسجام‌دهنده متن، بیش از روش ادبی، کارساز باشد؛ زیرا روش آماری در تجزیه و تحلیل موضوعات، نسبت به روش ادبی، دقیق‌تر و مطمئن‌تر است.

در این بخش از مقاله، بر اساس روابط عوامل انسجامی در هر دو قصیده فارسی و عربی، به بررسی و تطبیق کمی میزان انسجام دو قصیده و نوع ابزارهای این انسجام‌بخشی پرداخته شده است. با استفاده از روش‌های آماری توزیع فراوانی و درصد، بسامد هریک از عوامل دستوری و واژگانی در هر دو قصیده فارسی و عربی با ذکر کمیت دقیق آن‌ها، در مقایسه با یکدیگر محاسبه و در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول شماره ۸- توزیع فراوانی و درصد عوامل انسجامی در قصیده عربی «جیکور و أشجار المدینه» و قصیده فارسی «در کنار رودخانه»

| عوامل واژگانی | | عوامل دستوری | | فراوانی / درصد | نام قصیده | | | | | |
|---------------|-------|--------------|-------------|----------------|-----------|-----------|----------|---------|---------------|------------------------------------|
| نام‌گذاری | تشابه | برابری | تضاد معنایی | | | هم‌معنایی | جزء و کل | تکرار | جانمایی و حذف | ارجاع |
| - | - | ۷ | ۶ | ۷ | ۴۰ | ۲۹ | ۲۲ | ۳۴ | فراوانی عوامل | قصیده عربی «جیکور و أشجار المدینه» |
| - | - | %/۴/۸۳ | %/۴/۱۳ | %/۴/۸۳ | %/۲۷/۵۹ | %/۲۰ | %/۱۵/۱۸ | %/۲۳/۴۴ | درصد | قصیده «جیکور و أشجار المدینه» |
| | | | | | %/۶۱/۳۸ | | | | درصد کلی | |

| عوامل واژگانی | | | | | | عوامل دستوری | | | فراوانی / درصد | نام قصیده |
|---------------|-------|--------|-------------|-----------|----------|--------------|---------------|-------|----------------|-------------------------------|
| نام‌گذاری | تشابه | برابری | تضاد معنایی | هم‌معنایی | جزء و کل | تکرار | جانشینی و حذف | ارجاع | | |
| - | - | ۹ | ۶ | ۶ | ۱۹ | ۲۴ | ۸ | ۱۸ | فراوانی عوامل | قصیده فارسی «در کنار رودخانه» |
| - | - | %۱۰ | %۶/۶۷ | %۶/۶۷ | ۲۱/۱۱ | %۲۶/۶۶ | %۸/۸۹ | %۲۰ | درصد | |
| %۷۱/۱۱ | | | | | | %۲۸/۸۹ | | | درصد کلی | قصیده «در کنار رودخانه» |

با تأمل در جدول شماره ۸، می‌بینیم که نسبت عوامل واژگانی به دستوری در متن هر دو قصیده فارسی و عربی، در حد قابل توجهی بالاتر است. در قصیده عربی سیاب، در میان عوامل دستوری، ارجاع ۳۴ بار و جانشینی و حذف مجموعاً ۲۲ بار به کار رفته است. از میان عوامل واژگانی نیز جزء و کل ۴۰ بار و تکرار ۲۹ بار به ترتیب بیشترین بسامدها را به خود اختصاص داده‌اند. در مقابل، تضاد، برابری و هم‌معنایی، کمتر استفاده شده یا اصلاً تشابه و نام‌گذاری در متن قصیده سیاب به کار نرفته است.

از سوی دیگر، با مروری کوتاه بر قصیده فارسی نیما در مقابل قصیده عربی سیاب، می‌توان گفت که میزان بسامد عوامل انسجام واژگانی، تقریباً دوبرابر بسامد عوامل دستوری است. در مقابل، عامل ارجاع در مقایسه با قصیده عربی سیاب، با رقم ۱۸ بار، از نسبت انسجامی پایین‌تری نسبت به قصیده سیاب برخوردار است.

در میان عوامل واژگانی در قصیده فارسی، جزء و کل ۱۹ و تکرار ۲۴ بار، بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده‌اند. پس از جزء و کل و تکرار، برابری و هم‌معنایی بیشترین بسامد را در عوامل واژگانی دارند. عوامل تضاد و هم‌معنایی کاملاً با هم مساوی هستند. در مقابل، نام‌گذاری و تشابه در متن قصیده «جیکور و اشجار المدینه» نیز به کار نرفته است. با مقایسه عوامل انسجام دستوری و واژگانی، قابل ملاحظه است که بسامد هر دو عامل، در قصیده عربی، بیش از قصیده فارسی است. این موضوع، غالباً به سبب پیچیدگی‌های نحوی و ساختاری و اشتقاق لغوی زبان عربی است که نسبت به زبان فارسی، نمود بیشتری دارد. از طرفی، سادگی بیان نحوی و روانی و سهولت ساختاری آن، موجبات انسجام معنایی بیشتر این زبان را فراهم آورده، تا جایی

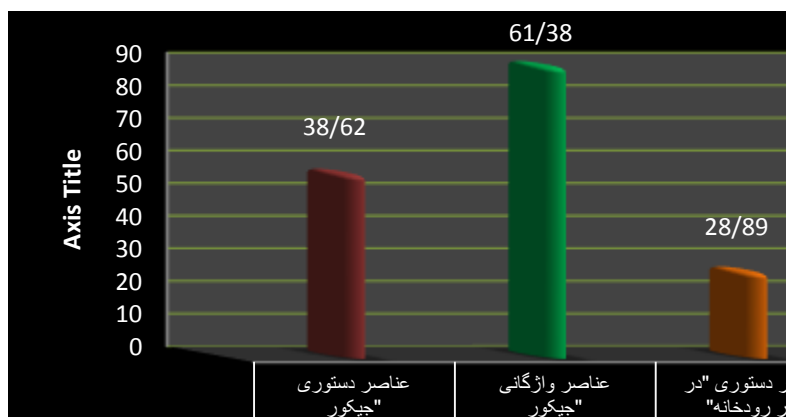
مقایسه انسجام در قصیده «جیکور» سیاب و «در کنار رودخانه» نیما _____ ۴۵
 که در این مطالعه موردی، قصیده نیما در جایگاهی بالاتر از منظر میزان انسجام قرار گرفته است.

گفتنی است عامل ارجاع، علاوه بر میزان قابل توجهی از انسجام بخشی به یک متن، می تواند توجه خواننده را از راه پیگیری مرجع ضمائر، به محورهای اصلی و فرعی هر دو قصاید رهنمون سازد. عوامل جانشینی و حذف نیز مشترکاً، علاوه بر انسجام بخشی به متن، از تکرار نابجا در متن که سبب دلزدگی خواننده نیز می شود، جلوگیری می کنند، همچنان که جایگزینی نیز می تواند در ایجاز کلام مؤثر باشد. تکرار که در متون قدیم، نوعی اطناب به شمار می رفته است، در متون معاصر، نقشی بی بدیل در ایجاد استحکام و انسجام معنایی متون ایفا می کند.

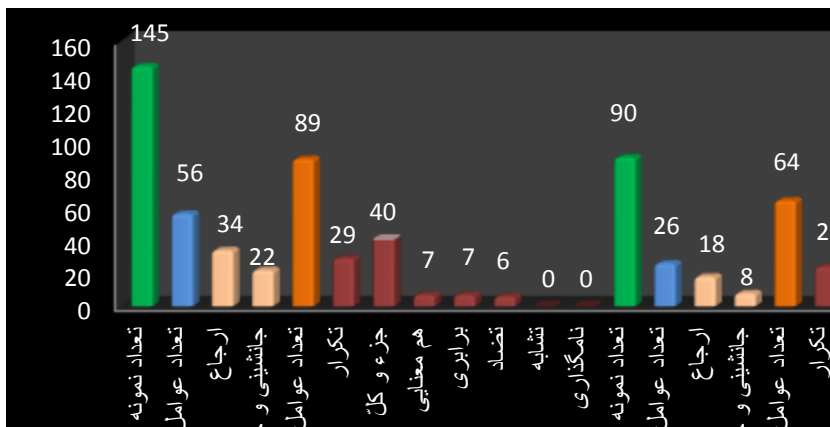
جدول شماره ۹- توزیع فراوانی و درصد نمونه‌ها در قصیده عربی «جیکور و اشجارالمدینه» و قصیده فارسی «در کنار رودخانه»

| متن | کل نمونه‌ها | نمونه‌های مرتبط | نمونه‌های جنبی | نسبت نمونه‌های مرتبط به کل نمونه‌ها |
|-----------------------------------|-------------|-----------------|----------------|-------------------------------------|
| قصیده عربی «جیکور و اشجارالمدینه» | ۸۴ | ۷۴ | ۱۰ | ۸۸/۰۹ |
| قصیده فارسی «در کنار رودخانه» | ۶۳ | ۵۹ | ۴ | ۹۳/۶۵ |

نمودار شماره ۱۰- توزیع فراوانی و درصد عناصر دستوری و واژگانی در قصیده عربی «جیکور و اشجارالمدینه» و قصیده فارسی «در کنار رودخانه»



نمودار شماره ۱۱- فراوانی کلی کاربرد ابزارهای انسجام در متن قصیده عربی «جیکور و أشجار المدینه» در مقایسه با قصیده فارسی «در کنار رودخانه»



۵. نتیجه گیری

در قصیده عربی «جیکور و أشجار المدینه»، از مجموع کل ۸۴ نمونه پژوهش شده، ۷۴ نمونه مرتبط و دارای هم‌زنجیره بوده، ۱۰ نمونه جانبی و غیرمرتبط دیده می‌شود که تعامل زنجیره‌ای با عوامل دیگر نداشتند. بر همین اساس، انسجام قصیده عربی «جیکور و أشجار المدینه»، ۸۸/۰۹ درصد است. این رقم نشان می‌دهد که قصیده عربی «جیکور و أشجار المدینه»، از انسجام بالایی برخوردار بوده، نسبتاً منسجم است و تنها چیزی در حدود ۱۱/۹۰ درصد تعامل واژگانی نداشته، نامنسجم است. قصیده فارسی «در کنار رودخانه» از نیما یوشیج نیز از مجموع کل نمونه‌های قصیده که ۶۳ مورد شمارش شده، نمونه‌های مرتبط، ۵۹ مورد و نمونه‌های جنبی فقط ۴ مورد است که بر این اساس، انسجام در متن قصیده فارسی نیما، ۹۳/۶۵ درصد است. همان‌گونه که ملاحظه شد، بسامد تعامل واژگانی الفاظ، به عبارتی انسجام در قصیده فارسی نیما بیشتر از قصیده عربی سیاب است و تفاوتی حدود ۴ درصد را نشان می‌دهد. بر همین اساس، می‌توان گفت که نیما در قدرت‌گزینش و تلفیق واژه‌ها و جمله‌ها بهتر عمل کرده تا جایی که قصیده‌اش در مقایسه با قصیده سیاب، منسجم‌تر و جمله‌ها و

مقایسه انسجام در قصیده «جیکور» سیاب و «در کنار رودخانه» نیما _____ ۴۷

عبارتش درهم تنیده‌تر و مرتبط‌تر است. شگردهای ایجاد انسجام متن در دو بُعد دستوری و واژگانی در قصیده نیما شایان توجه است. هر دو قصیده، تمام عوامل انسجام را دارا هستند و تنها عامل «نام‌گذاری» و «تشابه» در هر دو متن قصیده فارسی و عربی، یافت نشده است. سایر عوامل انسجام غیرساختاری، با تفاوت‌ها و شباهت‌هایی در متن قصاید حضور دارند. عامل دستوری ارجاع و عامل واژگانی تکرار در متن قصیده عربی، پس از عامل واژگانی جزء و کل، بالاترین بسامد را در جایگاه دوم و سوم یافته است؛ اما در متن قصیده فارسی، عامل واژگانی تکرار، بسامد بالاتری یافته، پس از آن، عوامل جزء و کل و ارجاع، جایگاه دوم و سوم را به خود اختصاص داده‌اند. با مقایسه عوامل انسجام دستوری ملاحظه می‌شود که بسامد عامل جانشینی و حذف، در قصیده عربی بیشتر از قصیده فارسی است و این موضوع غالباً به سبب حذف ضمیر در افعال زبان عربی است که بیشتر رخ می‌دهد. در مجموع، عناصر واژگانی قصیده فارسی، نسبت به قصیده عربی به مراتب بیشتر از عوامل واژگانی قصیده عربی است. از طرفی، عوامل واژگانی نام‌گذاری و تشابه، در هیچ‌کدام از این دو قصیده، بازتابی نداشته است. هر دو متن از نظر عامل واژگانی تضاد و هم‌معنایی نیز با هم برابر هستند. به طور کلی، انسجام متن قصیده فارسی از قصیده عربی بیشتر است. قصیده فارسی تنها ۶/۳۴ درصد نامنسجم است؛ اما قصیده عربی ۱۱/۹۰ درصد نامنسجم بوده، تعامل واژگانی ندارد.

با تأمل در اختلاف نسبت عوامل انسجام واژگانی و دستوری در دو قصیده، ضمن اذعان به درصد بالای انسجام و پیوستگی متن قصاید، می‌توان این میزان از انسجام متنی را حاکی از توفیق بالای هر دو شاعر فارسی و عربی در انتقال معانی و مفاهیم اشعار به مخاطبان خویش دانست.

منابع

- آفاگل‌زاده، فردوس (۱۳۹۴)، **تحلیل گفتمان انتقادی**، تهران: علمی و فرهنگی.

- احمدی علیرضا و اصلان استواری (۱۳۹۰)، **انسجام متنی، ابزاری زبان‌شناسی برای شناخت سبک‌های ادبیات فارسی**، دوفصلنامه مطالعات زبانی و بلاغی، سال ۲، شماره ۳، صص ۷-۲۰.
- امرائی، محمدحسن و همکاران (۱۳۹۶)، **ارزیابی مقایسه‌ای انسجام در سوره علق و ترجمه آن از حداد عادل بر اساس نظریه هالیدی و حسن (۱۹۸۵م)**، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، سال ۷، شماره ۱۶، صص ۱۲۰-۱۴۵.
- ایشانی، طاهره (۱۳۹۰)، **تحلیل مقایسه‌ای عوامل انسجام در دو غزل حافظ و سعدی و تأثیر آن بر انسجام متن**، فصلنامه زبان‌پژوهی، سال ۶، شماره ۱۰، صص ۹-۳۶.
- چامسکی، نوام. (۱۳۸۷)، **زبان و ذهن**، ترجمه کورش صفوی، چ ۴، تهران: هرمس.
- حاج عیدی، حوا و حسین رضویان (۱۳۹۷)، **عوامل انسجام در داستان عدل صادق چوبک**، دوفصلنامه مطالعات زبانی و بلاغی، دوره ۹، شماره ۱۸، صص ۶۹-۹۴.
- سارلی، ناصرقلی و طاهره ایشانی (۱۳۹۰)، **نظریه انسجام و هماهنگی انسجامی و کاربست آن در یک داستان (قضه نردبان)**، فصلنامه زبان‌پژوهی، سال دوم، شماره ۴، صص ۵۱-۷۷.
- السیاب، بدر شاکر (۲۰۰۵م)، **الأعمال الشعرية الكاملة**، بیروت: دار العوده.
- شعبانلو، علیرضا، مهدی ملک ثابت و یدالله جلالی پنداری (۱۳۸۷)، **فرایند انسجام دستوری در شعری بلند از عمق بخارایی**، پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)، دوره ۲، شماره ۵، صص ۱۶۵-۱۸۸.
- صلح‌جو، علی (۱۳۹۱)، **گفتمان و ترجمه**، تهران: نشر مرکز.
- عباسی، محمود و همکاران (۱۳۹۲)، **انسجام واژگانی در متن سوررئالیستی بوف کور بر پایه نظریه هالیدی و حسن**، نشریه جستارهای زبانی، شماره ۴، صص ۲۸۳-۳۰۸.
- لطفی‌پور ساعدی، کاظم (۱۳۸۷)، **درآمدی به اصول و روش ترجمه**، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مهاجر، مهران و محمد نبوی (۱۳۹۳)، **زبان‌شناسی شعر**، تهران: آگاه.
- موندی، جرمی (۱۳۸۹)، **درآمدی بر مطالعات ترجمه**، ترجمه الهه ستوده‌نیا و فریده حق‌بین، تهران: علم.
- نعمتی قزوینی، معصومه و طاهره ایشانی (۱۳۹۲)، **مقایسه کاربست عوامل انسجام در سوره اعلی و ترجمه آن از صفارزاده**، پژوهش‌های قرآنی، سال ۲۰، شماره ۱، صص ۱۲۰-۱۴۵.
- یوشیج، نیما (۱۳۷۰)، **مجموعه کامل اشعار نیما یوشیج**، به کوشش سیروس طاهباز، تهران: نگاه.

-Halliday, M.A.K. (1985), **an introduction to functional grammar**, London: Edward Arnold.

-Hasan, R. (1984), **Coherence and Cohesive Harmon**, J. Flood. (Ed.). Understanding Reading Comprehension. I.R.A. Newark: Delaware.

-Porings, ralf und Ulrich Schmitz (Hrsg), **sprache und sprachwissenschaft: Eine cognitive orientierte Einfubrung**, 2. Auflage, Tübingen: Gunter NarrVerlag, 2003.

